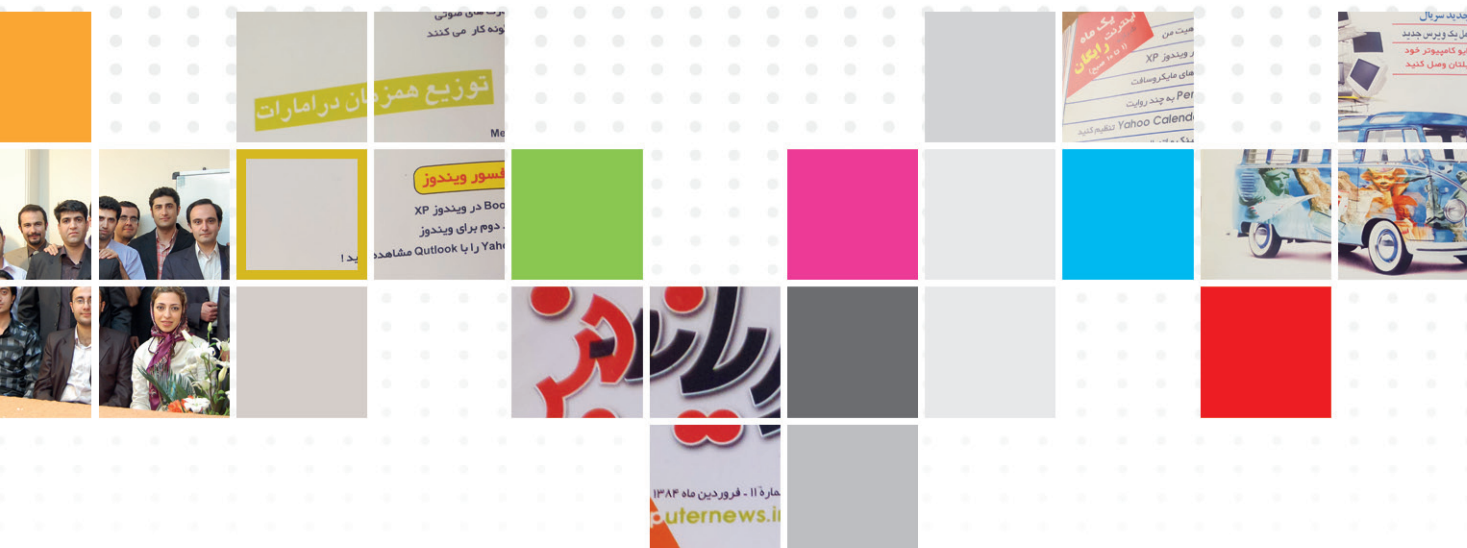


رایانه خبر



از صفرتا ۱۰۰

به مناسبت صدمین شماره رایانه خبر، چند صفحه از این شماره را به خود ماهنامه و اهالی

آن اختصاص دادیم.

از نحوه شکل گیری و چاپ اولین شماره تا اتفاقات و خاطرات خوب و بد را در این بخش

بخوانید.

آشنایی با دو دوست

اواخر سال ۷۵ بود که از رشته مهندسی کامپیوتر (سخت‌افزار) فارغ التحصیل شدم. چند ماه بعد موعد سربازی رسید. بعد از ۴ ماه آموزشی، خیلی اتفاقی منتقل شدم به اداره کل خدمات پس از فروش یکی از شرکت‌های بزرگ کامپیوتری آن زمان یعنی ایزایران. با اینکه سه سال آخر دانشگاه در یک شرکت کامپیوتری (اورنج کامپیوتر) مسئول قسمت سخت‌افزار بودم ولی حضور در ایزایران اتفاق شگرفی بود. کار در یکی از بزرگترین شرکت‌های کامپیوتری، که بسیاری از سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و نظامی را تحت پوشش خدمات پس از فروش خود داشت چیز دیگری بود: تعمیر و سرویس بیش از ۲۰۰ دستگاه سیستم در ماه، برخورد نزدیک با مشتریان همیشه نگران و کار در یک سازمان عریض و طویل، تجربه‌های گرانبهایی برای من داشت. در همین ایزایران بود که با دو تن از همراهم همیشه ماهنامه آشنا شدم. دوستی من با حمید اسدی و هومن سیاری به پاییز سال ۷۶ و شرکت ایزایران بر می‌گردد. حمید اسدی در بخش تعمیرات کار می‌کرد و هومن سیاری هم در بخش سرویس.

اولین جرقه‌های ماهنامه

بعد از تمام شدن دوره خدمت سربازی (فروردین ۷۸) به همان شرکت قبلی برگشتم. شرکتی که مربوط به یکی از دوستان دوران دانشگاهی بود و من هم سهمی در راه‌اندازی آن داشتم. خدمات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری چند روزنامه و هفته‌نامه ورزشی موجب شد تا کم‌کم با حال و هوای مطبوعات آشنا شوم. البته تدریس دوره‌های سخت‌افزار در انستیتو ایزایران و دو موسسه دیگر موجب شده بود که علاقه‌ام به آموزش بیشتر شود. آشنایی و دوستی با مهدی قنایی (که مدیر واحد گرافیک یکی از روزنامه‌های مطرح ورزشی بود) و همچنین علاقه خودم به ادبیات (که البته هیچ ربطی به یک نشریه کامپیوتری ندارد) باعث شد که درخواست مجوز ماهنامه را در سال ۸۰ به وزارت ارشاد بدهم.

فولکس و شماره نخست

تقریباً دو سالی از درخواست مجوز گذشته بود که خبری از طرف ارشاد رسید: «مجوز ماهنامه حدود ۵ ماه است صادر شده و در صورت عدم انتشار ماهنامه تا یک ماه آینده، مجوز ابطال می‌شود».

حمیدرضا حق‌پرست



سال و ماه تولد: بهمن ۱۳۵۱

وضعیت تاهل: متاهل

رشته تحصیلی: مهندسی کامپیوتر - سخت افزار

علاقه شخصی به غیر از کامپیوتر: شعر (خیلی جدی)،

کارگردانی مستند، عکاسی، فوتبال، مباحث روانکاوی و البته

طبیعت و ایران‌گردی

مهمترین خاطره و سوتی: اوایل که همراه ماهنامه سی‌دی گذاشته بودیم در طول یک روز چند تا تماس از شهرستان داشتیم که همگی هم می‌خواستند با من صحبت کنند. یادم هست خانمی از اصفهان زنگ زده بود معلوم بود و نگرانی زیاد گفت که داخل سی‌دی و در بخش اسکرین سیورها چند تا فایل هست که مربوط به خوانندگان زن خارجی است که لباس مناسبی ندارند. کاملاً جا خوردم چون همیشه نرم‌افزارها را تست می‌کردیم (در آن زمان مسئول جمع‌آوری و تست پیام طراوتی بود). با اینکه اشتباه کاملاً سهوی بود و تصاویر هم خیلی حاد نبود ولی همین مورد می‌توانست به راحتی ما را دچار مشکل کند. نکته جالب همه تماس‌ها، این بود که همگی نگران بسته شدن ماهنامه و عدم ادامه چاپ ماهنامه بودن و سعی داشتن زودتر موضوع را قبل از اینکه مراجع قانونی اقدامی نمایند به ما اعلام کنند.

یکی دیگه از خاطرات خوب به مصاحبه با مجید جلالی (سرمربی کنونی تیم سایپا) در مورد نقش کامپیوتر در فوتبال مربوط می‌شود که در منزل ایشان مصاحبه را انجام دادیم.

یکبار هم با خالق شخصیت‌های انیمیشنی چون سیاستی و بابا برقی و انیمیشن سینمایی تهران ۱۵۰۰ یعنی بهرام عظیمی، مصاحبه‌ای در خصوص مراحل ساخت انیمیشن انجام دادیم. آقای عظیمی (که شخصیتی بسیار جذاب و دوست‌داشتنی دارند) خیلی کمک کردند تا بتوانیم از یک استودیوی انیمیشن‌سازی و مراحل ساخت یک فیلم بلند انیمیشنی گزارش تهیه کنیم. ما هم با همان دوربین تصویری که خریده بودیم، فیلم مفصلی تهیه کردیم و در وی‌دی ماهنامه قرار داریم.

اگر اهل موسیقی پاپ ایرانی باشید حتماً بهروز صفاریان و دکتر چراغعلی که هر دو آهنگساز و تنظیم‌کننده موسیقی هستند را می‌شناسید. با بهروز صفاریان در خصوص موسیقی دیجیتال و نقش کامپیوتر صحبت کردیم که متن مصاحبه ایشان چاپ شد. برای تکمیل مقاله، از آقای دکتر چراغعلی در یک استودیوی ضبط موسیقی در خصوص مراحل ضبط و میکس و مسترینگ که همگی با کامپیوتر انجام می‌شود گزارش تصویری تهیه کردیم و در وی‌دی همان شماره قرار داریم.

حمید اسدی



سال و ماه تولد: شهریور ۱۳۵۲

وضعیت تاهل: متاهل

رشته تحصیلی: برق، گرایش مخابرات

شغل فعلی: مدیر گروه فناوری اطلاعات سازمان پزشکی قانونی

کشور و مدرس دوره‌های میکروسافت در شرکت سماتک

آشنایی با ماهنامه: در سال ۸۰ بود که آقای حق‌پرست درباره علاقه‌اش برای راه‌اندازی ماهنامه‌ای تخصصی و کامپیوتری که دارای مطالب حرفه‌ای باشد با من صحبت می‌کرد و از این که برای گرفتن مجوز نشر ماهنامه اقدام کرده است. البته یادم رفت بگویم که من با آقای حق‌پرست از سال ۷۶ در شرکت ایزایران آشنا شدم. بنابراین قبل از چاپ اولین شماره در بحث‌های اولیه راه‌اندازی مجله همراه آقای حق‌پرست بودم.

زمینه فعالیت در ماهنامه: بیشتر در زمینه شبکه‌های کامپیوتری مقاله تالیف و یا ویرایش کرده‌ام. البته تا چند شماره قبل هم بخش پرسش و پاسخ که اگر اشتباه نکنم از شماره اول شروع کردیم را من آماده می‌کردم. چند شماره‌ای هم یکسری گزارش‌ها درباره گارانتی و موارد متفرقه مقاله نوشته‌ام.

علاقه شخصی (به غیر از کامپیوتر): بازی فوتبال داخل سالن از سرگرمی‌های بنده است. همچنین از دیدن بازی‌های فوتبال لالیگا نیز لذت می‌برم.

مهمترین خاطره و سوتی: وقتی حدود ۱۲ سال در جایی کار کنی مطمئناً خاطره‌های زیادی ساخته و پرداخته می‌شود که برای گفتن آنها باید کلی فکر کرد اما بهترین خاطرات من از جمع شدن بچه‌های نویسنده در شب‌های مهمانی پایان سال است. مخصوصاً یکی از این شب‌ها همه روی موج خنده و جوک گفتن بودند که شبی به یادماندنی ساخت. هر بار که به آن شب فکر می‌کنم باز هم خاطراتش زنده می‌شود. یکی از تفاوت‌های کار در رسانه‌های جمعی مانند یک ماهنامه که هر شماره چند هزار نسخه از چاپ می‌شود این است که اگر مطلبی اشتباه چاپ شود جمع و جور کردن آن کلی سخت و دشوار خواهد بود.

یکبار بنده اشتباهی کردم که الان هم که می‌خواهم آن را روایت کنم باز هم نمی‌دانم بخندم یا استرس داشته باشم. راستش سوتی‌ای که داده بودم منجر به از بین رفتن اطلاعات خواننده‌ها می‌شد. خلاصه کنم؛ در یک مقاله‌ای داشتم درباره انواع فایل سیستم‌ها و تفاوت NTFS و FAT32 می‌نوشتیم. کار به جای رسید که قرار بود بگویم با دستور Convert می‌توان یک درایو که دارای فایل سیستم FAT32 است به NTFS تبدیل می‌شود که متأسفانه به جای Convert کلمه Format را نوشته بودم. جالب اینکه این اشتباه از زیر دست تمام افرادی که مقاله‌ها رو چک می‌کردند هم عبور کرد. به دلیل کمی وقت اتفاقات و تماس‌های خوانندگان را بیان نمی‌کنم!



شرکت ایزایران سال ۱۳۷۷

خبر هم خوب بود و هم بد، هم شوق داشتم و هم ترس. باید تا یک ماه دیگر کار را بطور رسمی شروع می کردم، کاری که هیچ تخصصی در زمینه تولید محتوای آن نداشتم. با حضور مهدی قتایی، دغدغه طراحی و صفحه بندی و چاپ نداشتم. قرار شد مهدی کار طراحی لوگو و قالب مجله را انجام دهد و من تیم تحریریه را تشکیل دهم. از مدیریت شرکت (هادی مهمانی که از دوستانم بود و هست و اکنون صاحب رستوران های زنجیره ای مستر دیزی است) خواستم تا اجازه دهد یکی از کارمندان شرکت در کار راه اندازی ماهنامه به من کمک کند و این گونه شد که خانم بهاره سیار شد همکار ماهنامه رایانه خبر. از جمع تحریریه دو سه شماره اول ماهنامه، فقط حمید اسدی در حال حاضر در جمع رایانه خبری ها مانده. چند شماره بعد هم توانستیم هومن سیاری را هم به جمع خودمان اضافه کنیم.

با کلی دردسر و اشتباه چایی! اولین شماره با فولکسی روی جلد در مهر ماه ۸۲ چاپ شد:

رایانه خبر/اولین ماهنامه تمام رنگی کامپیوتر

همراه با دو ساعت اینترنت رایگان



هومن سیاری

سال و ماه تولد: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۴

وضعیت تاهل: متاهل

رشته تحصیلی: فوق لیسانس معماری کامپیوتر

شغل فعلی: استاد دانشگاه، مدیر خدمات پس از فروش

آشنایی با ماهنامه: به واسطه دوستی قدیمی با مدیر مسئول ماهنامه

زمینه و تعداد مقالات: تکنولوژی های سخت افزاری، تست و بررسی قطعات و تجهیزات

سخت افزاری، موبایل و نرم افزار. در مجموع حدود ۲۵۰ مقاله به چاپ رسیده است.

علاقه شخصی (به غیر از کامپیوتر): فوتبال، تنیس و همچنین مسافرت به خصوص به جاهای ناشناخته

مهم ترین خاطره از ماهنامه: حلیم های ماه رمضان

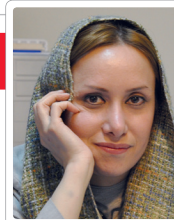
www.aparat.com/rayanehkhbar

خاطره ای از سوتی: منفجر شدن پاور در حال فیلم برداری از من.

درست زمانی که به اصرار تصویر بردار صورت خود را نزدیک پاور برده بودم تا کادر ایشان قشنگ تر شود، پاور ترکید!

ما در حال ضبط یک فیلم در مورد تست پاورهای موجود در بازار بودیم و یک پاور تقلبی را زیر فشار قرار داده بودیم تا میزان تحمل آن را بسنجیم!

فیلم آن موجود است (در آدرس www.aparat.com/rayanehkhbar) و دیدن آن را به همگان توصیه می کنم!



بهاره (فاطمه) سیار

سال و ماه تولد: ۱۱ بهمن ۱۳۵۴

وضعیت تاهل: مجرد

رشته تحصیلی: لیسانس مدیریت بازرگانی

شغل فعلی: مدیر روابط عمومی رایانه خبر و مدیر روابط

عمومی سایت ویستورک

آشنایی با ماهنامه: مهر ۱۳۸۰ در شرکت اورنج کامپیوتر استخدام شدم. در آن مجموعه آقای حق پرست مدیر بخش سخت افزار بودند. مهر ۱۳۸۲ اولین شماره ماهنامه رایانه خبر انتشار پیدا کرد که بنده از شماره اول همکاری خود را در بخش روابط عمومی آغاز کردم.

علاقه شخصی (به غیر از کامپیوتر): عاشق سفر و طبیعت گردی هستم. اکثر ایران رو به صورت مدل کمپینگ سفر کردم. طرفدار استقلال تو ایران هستم. در باشگاه های خارجی طرفدار بایرن مونیخ و تیم ملی آلمان و بعد منچستریونایتد و تیم انگلیس هستم. آسپزی و شیرینی پزی را خیلی دوست دارم ولی باید فرصتش رو داشته باشم. کارهای گروهی و برنامه های گروهی رو خیلی دوست دارم.

مهم ترین خاطره و سوتی: رایانه خبر رو قسمتی از اموال خود می دونم چون براش خیلی زحمت کشیدم و خیلی دوستش دارم. تو بیرون از مجموعه اکثرا فکر می کنند که من یکی از سهامدارای اصلی هستم که این همه با قدرت و تعصب ارزش صحبت می کنم.

اولین خاطره خوبم مربوط میشه به آخرین دوره نمایشگاه کتاب بود که همراه با نمایشگاه مطبوعات با هم برگزار می شد. این اولین حضور رایانه خبر در نمایشگاه بود. اونجا استقبال خیلی خوبی از ماهنامه شد و ما کلی مشترک گرفتیم و برام جالب بود که خیلی از مراجعه کننده ها، مجله که می خریدن اینقدر مطالب مجله برایشون جالب بود که روز بعد برای مشترک شدن و استفاده از تخفیفات به غرفه ما می اومدن.

خاطره بدم هم برای دیر شدن چاپ مجلات است. همچنین اومدن یه سری افراد برای همکاری که به جز انرژی منفی چیز دیگه ای نداشتن. البته به نظر من به جای کمک فکری گرفتن از افراد قدیمی از جمله خودم برای سیاست گذاری نشریه از افراد خارج از مجموعه گرفته شد که اصلا برام خشنود نبود و احساس می کردم که مجله اون خانواده ای کاری که فکر می کردم نیست و به کار من، اعتماد و اعتقاد نداره. این خیلی باعث ناراحتی من شده بود و من قدرت بیان رو نداشتم و در خیلی از کارها کنار گذاشته شده بودم.

اولین سوتی وقتی بود که برای اولین بار تو نمایشگاه شرکت کرده بودیم. تو اون موقع آقای ابطی (رییس دفتر دولت آقای خاتمی) برای بازدید نمایشگاه اومده بودن که وقتی به غرفه ما رسیدن من دعوتشون کردم که از مجلات ما دیدن کنند. هنگام دعوت کردن من به اشتباه گفتم آقای زم تشریف بیارید از غرفه ما دیدن کنید. یه دفعه آقای ابطی ناراحت شدن و با یه لحن محکمی گفتن من ابطی هستم زم نیستم! من هنگ کرده بودم و یه دفعه برگشتم گفتم قبل شما داشتیم در مورد آقای زم صحبت می کردیم به خاطر این، اشتباه گفتم و عذرخواهی می کنم. بعد دوتا مجله دادم بهشون. وقتی رفتن یه نفس عمیق کشیدم!

ماهنامه بود. البته از شماره ۵ به بعد این اینترنت شد ۱ ساعت روزانه + یک ماه شبانه.

سیدی همراه

یکی از گله‌های همیشگی مخاطبین شهرستان این بود که چرا اینترنت رایگان فقط مخصوص تهرانی‌هاست. با توافقی که با شرکت آسمان رایانه انجام دادیم از شماره ۱۲ (اردیبهشت ۸۴) برای شهرستان‌ها سیدی رایگان اختصاص دادیم.

از اینجا بود که کم‌کم مخاطبین تهرانی شروع کردند به اعتراض و گله برای سیدی! سیدی رایگان همراه ماهنامه تا شماره ۲۵ (شهریور ۸۵) ادامه داشت. از آذر ۸۵ (شماره ۲۷) تصمیم گرفتیم که سیدی همراه ماهنامه را عمومی کنیم: هم تهران و شهرستان. البته این بار با افزایش قیمت! قیمت ماهنامه شد ۱۵۰۰ تومان؛ همراه با سیدی، ۱۹۵۰ تومان.

و این بار DVD و زیرنویس فیلم

حجم نرم‌افزارها به تدریج بیشتر می‌شد و فضای سیدی جوابگو نبود. بعد از گذشت یک سال و

چندبار متن ماهنامه را خوانده بودیم ولی نفهمیدیم این همه اشتباه تایپی از کجا آمده بود. یک صفحه به عنوان اصلاحیه چاپ کردیم و داخل ماهنامه گذاشتیم. این کار هم از ناپختگی ما بود.

چرا رنگی؟

برای مقالات آموزشی لازم بود از تصاویر استفاده کنیم و در صفحات تک‌رنگ نیز آنقدر کیفیت پایین بود که هیچ جذابیتی ایجاد نمی‌کرد.

در آن روزگار تمام نشریات کامپیوتری سیاه و سفید بودند و فقط صفحات آگهی‌هایشان رنگی بود. از اول قرار گذاشته بودیم که تا جایی که امکانات و هزینه‌ها به ما اجازه می‌داد ماهنامه متفاوتی تولید کنیم، هم در نوع محتوا و هم در شکل ارائه آن. به همین دلیل هم شماره نخست ماهنامه رنگی شد و از آن به بعد هم شدیم اولین ماهنامه کامپیوتری تمام‌رنگی.

این کار هزینه تولید را گران‌تر کرده بود ولی به هر حال جذابیت را بیشتر و دست نویسندگان را برای استفاده از تصاویر در مقالات آموزشی بازتر می‌کرد.

یکی از کارهای دیگر که از شماره اول انجام دادیم، اختصاص ۲ ساعت اینترنت رایگان همراه



پیام حداد

سال و ماه تولد: ۱۲ تیر ۱۳۶۳

وضعیت تاهل: متاهل

رشته تحصیلی: سخت افزار کامپیوتر

شغل فعلی: کارشناس شبکه و امنیت

تاریخ و نحوه آشنایی با ماهنامه: در دوران دانشجویی، یک روز یکی از دوستان مجله‌ای توی دستش بود که دلیل عنوان کامپیوتری مشتاق شدم که ببینم چیه. وقتی گرفتم و خوندم خیلی علاقمند شدم که شماره‌های بعدی رو هم بگیرم و بخونم. همین روال پیش می‌رفت تا جایی که توی یکی از شماره‌ها دیدم که درخواست برای نویسنده مقاله چاپ شده. من هم اقدام کردم و اولین ایمیل رو فرستادم همراه با یکی از ترجمه‌هایی که توی حوزه سخت افزار داشتم.

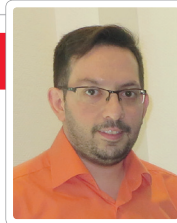
پس از تایید، این مطلب در شماره ۲۷ (آذر ۸۵) چاپ شد و تا چندین شماره همینطور پیش رفت. در نهایت یک روز آقای حق‌پرست منو دعوت کرد و اولین قرار ملاقات حضوری شکل گرفت. و این شد آغاز دوستی من با یکی از صمیمی‌ترین مجموعه‌های دوستانه ...

زمینه و تعداد مقالات: زمینه سخت افزار و شبکه. نمی‌دونم دقیقاً چند تا مقاله یا مطلب شده شاید در حدود ۱۰۰ تا، شاید هم کمتر.

علاقه شخصی (به غیر از کامپیوتر): فوتبال.. اتفاقاً با بچه‌های مجله فوتبال هم رفتیم و یکی از بهترین خاطراتم توی این جمع دوستانه این بود که شخصیت فوتبالیم با همه چیز فرق می‌کرد و این باعث تعجب بچه‌های ماهنامه شده بود.. فقط همین قدر بگم کسی نبود که اون روز من زنده باشم!

مهمترین خاطره و سوتی: مهم‌ترین کاری که برای اولین بار شروع کردیم برای من مهم‌ترین خاطره است. شروع لایبراتور سخت‌افزار. به همراه مجموعه رایانه‌خبر خیلی براش زحمت کشیدیم.

یکی از جالب‌ترین کارها هم ویدیوهای آموزشی بود و اون ویدیوی معرفی Eyefinity که معرفی‌ش با من بود و من برای اولین بار جلوی دوربین بودم و سوتی‌ها و خندیدن‌ها و ...!



پیام طراوتی

سال و ماه تولد: فروردین ۱۳۶۲

وضعیت تاهل: متاهل

رشته تحصیلی: علوم ارتباطات اجتماعی

شغل فعلی: کارشناس روابط عمومی

تاریخ و نحوه آشنایی با ماهنامه: از شماره ۶ سال ۱۳۸۳

اولین شماره از ماهنامه رو که دیدم، روش عکس یک فولکس واگن بزرگ بود. مهم‌تر از اون، رنگی بود. باورم نمیشد! رنگی؟ خواب می‌دیدم؟ تو ایران، مجله کامپیوتری رنگی چاپ شده؟ اینقدر ذوق کرده بودم، یک هفته هر جا می‌رفتم به همه نشونش می‌دادم. بهشون می‌گفتم باورتون میشه مجله کامپیوتری رنگی درآوردم؟ حس خوبی برام بود، از بس ریزپردازنده و مشک‌ترین مجله کامپیوتر رو سیاه و سفید خونده بودم.

از شماره سوم بود که شروع کردم، به برقراری ارتباط با ماهنامه. اولش درخواست کارآموزی داشتم، اونقدر انگیزه داشتم و اونقدر مشتاق بودم که مدیر مسئول محترم (جناب آقای حق‌پرست) با وجود این که رشته ام هیچ ربطی به آی تی نداشت، قبول کردند. و من از سال ۸۳، شماره ششم، یک رایانه خبری شدم. خیلی چیزها یاد گرفتم از جمع مهندسان رایانه خبر، مهم‌ترین چیزش این بود:

”هیچی نمیدونم!“ در توهّم اگه کسی فکر کنه، تو هرگرایش آی تی به انتهایش رسیده! ته نداره لامصب!

زمینه و تعداد مقالات: فکر کنم نزدیک ۳۰ تا مقاله نوشتیم، اکثرشون هم در زمینه معرفی نرم‌افزار و بخش اینترنت بودند. مقاله «هر آنچه که باید از DVD بدانید و نرم افزارهای ضروری یک سیستم» به نظر خودم، بهترین مقاله‌هایم بودند.

علاقه شخصی (به غیر از کامپیوتر): نجوم، فلسفه و ادبیات فارسی

مهمترین خاطره و سوتی: مهم‌ترین خاطرم به روزی که اولین حقوق زندگیم رو از مدیر مسئول گرفتم.

و اما سوتی؛ یکبار دوتا عکس از بازیگران زن هالیوود (آنجلینا جولی و مونیکا بلوچی) رو به عنوان عکس تمرینی برای ترفندهای فتوشاپ کار کرده بودیم، بعد از چاپ نشریه، یک روحانی از قم زنگ زده بودند و به ما تذکر داده بودند، خودمان هم باورمان نمیشد، که قشر روحانی هم از مخاطبان مجله ماست.

پاکت‌های نامه به همراه درخواست‌های بیشمار خوانندگان روی کاغذ که برایمان ارسال می‌شد یکی از خاطرات خوب بود. خواندن نامه بسیار لذت بخش بود.



عکس روبرو: ارسالی از طرف مهرداد درزی یکی از خوانندگان ماهنامه

عکس وسط: غرفه ماهنامه در نمایشگاه الکامپ ۸۹

عکس پایین چپ: مهمانی پایانی سال ۸۶

عکس پایین راست: میهمانی پایانی سال ۸۸



نیم، از شماره ۴۱ (اردیبهشت ۸۷) تصمیم گرفتیم سی‌دی را به دی‌وی‌دی تغییر دهیم. در سی‌دی با مشکل کمبود فضا مواجه بودیم و در دی‌وی‌دی با مشکل زیاد بودن فضا! بعد از چند جلسه، تصمیم گرفتیم به جای پر کردن دی‌وی‌دی با گیم و نرم‌افزارهای متفرقه یک ابتکار جالب انجام دهیم؛ ما ۴ بخش برای دی‌وی‌دی در نظر گرفتیم:

CN Tools: بخش مربوط به نرم‌افزار

CN Technology: فیلم‌های مربوط به تکنولوژی‌های جدید

CN Review: بررسی محصولات سخت‌افزاری و تکنولوژی‌های جدید به صورت تصویری

CN Report: گزارش‌های تصویری از شرکت‌ها و سمینارها تخصصی حوزه آی‌تی

تقریباً همه این بخش‌ها راه انداختیم. برای راه‌اندازی هم یک سری کارها انجام دادیم:

یک دوربین خوب تصویربرداری نیمه حرفه‌ای خریدیم.

کارت ماهواره و یک سیستم برای ضبط از ماهواره تهیه کردیم.

یکی از اتاق‌های ماهنامه را به اتاق تصویربرداری و عکاسی اختصاص دادیم. اتاق را تا حدودی

اکوستیک کردیم و پرده سبز و آبی هم تهیه کردیم (برای جایگزینی پس‌زمینه فیلم). به هر حال کلی کار انجام دادیم تا دی‌وی‌دی محصولی متفاوت باشد. از طریق ماهواره فیلم‌ها و اخبار مربوط به تکنولوژی‌های جدید را ضبط می‌کردیم. همچنین از اینترنت فیلم‌هایی در زمینه آی‌تی (اغلب مستند) دانلود می‌کردیم. بعد فیلم‌ها را ترجمه و زیرنویس می‌کردیم و در دی‌وی‌دی و در بخش CN Technology قرار می‌دادیم.

با دوربین هم فیلم‌های پرشماری ضبط کردیم: از مسابقات اورکلاک گرفته تا قسمت تعمیرات شرکت آوازنگ (که بسیار خاص و جذاب بود) و همچنین واحد خدمات پس از فروش پارس‌نیکاتل. بارها در همان اتاق معروف، از محصولات و تکنولوژی‌های جدید تصویربرداری کردیم و در بخش CN Review قرار دادیم.

راه‌اندازی و تجهیز لابراتوار سخت‌افزار

تست و بررسی قطعات یکی از علاقه‌مندی‌های ما بود. در سال ۸۶ مانند حالا نبود که شرکت‌ها به



آندره گالستیان

سال و ماه تولد: فروردین ۱۳۵۵

وضعیت تاهل: مجرد. کلیه همکاران در ماهنامه،

چند سال است که بی‌صبرانه چشم در راه دریافت

کارت دعوت عروسی، نور چشم می‌سوزانند!

رشته تحصیلی: میکروبیولوژی و همچنین چند مدرک بین‌المللی کامپیوتر و مدیریت
شغل فعلی: چندین سال تدریس علوم کامپیوتر و مباحث مدیریت در مراکز گوناگون، و همچنین مشاور چند شرکت و سازمان از جمله مشاور مدیر عامل "شرکت صنایع ساختمانی پوزولان".

تاریخ و نحوه آشنایی با ماهنامه: نیمه دوم اسفند سال ۱۳۸۶ بود که با حمید اسدی در مورد ماهنامه و ویژگی‌های آن، صحبت شد. در فروردین سال ۱۳۸۷، جلسه‌ای با حضور مدیر مسئول محترم، برگزار گردید و در شماره اردیبهشت همان سال همکاری با ماهنامه شروع شد. اولین مقاله نیز در شماره ۴۳ (مرداد ۸۷) منتشر شد. **زمینه و تعداد مقالات:** چاپ بیش از صد مقاله در زمینه‌های مختلف اعم از سلسله مقالات عصر الکترونیک (بانکداری الکترونیک، آموزش الکترونیک، دولت الکترونیک ...)، هوش مصنوعی، مدیریت فناوری اطلاعات و امنیت شبکه‌های کامپیوتری. همچنین در زمینه مدارک تخصصی و بین‌المللی کامپیوتر نیز طی ۱۴ شماره مقالاتی با عنوان "چگونه متخصص شویم" به چاپ رسید. سلسله مقالات "چهره‌های تاثیرگذار در تاریخ کامپیوتر" در ۳۸ شماره نیز از مواردی بود که منتشر شد. **علاقه شخصی به غیر از کامپیوتر:** به کوهنوردی، شنا و همچنین مسافرت به مکان‌های باستانی و اماکن تاریخی، علاقه خاص دارم و تا حدودی نیز به شعر و موسیقی، تعلق خاطر دارم.

مهمترین خاطره و سوتی: پس از انتشار یکی از مقالات که به نقش کامپیوترها در صنعت هواپیمایی می‌پرداخت، متوجه شدم که کلمه "پهن‌پیکر" به کلمه "غول‌پیکر" تغییر پیدا کرده و این امر، بلافاصله باعث وزش طوفانی سهمگین در جلسه هیات تحریریه شد!

و اما سوتی: در مقاله‌ای، یکی از نمودارها را دوستان، مجدداً ترسیم نموده بودند و به دلایل نامعلوم، کل اطلاعات، سر و ته شده بود! این دفعه، یک سونامی بسیار اساسی در دفتر ماهنامه، وزیدن گرفت! این مورد، در شماره بعدی اصلاح شد، اما در نهایت، کلیه همکاران به این نتیجه رسیدند که برای جلوگیری از طوفان‌ها و سونامی‌های آینده، از کوچکترین تغییر در مقالات بنده، خودداری کنند!



ابراهیم حیدری (حیوری سابق!)

سال و ماه تولد: بهمن ۱۳۶۳

وضعیت تاهل: متاهل

رشته تحصیلی: آموزش زبان انگلیسی

شغل فعلی: معلم زبان انگلیسی مقطع راهنمایی

و همچنین مترجم

تاریخ و نحوه آشنایی با ماهنامه: ۱۴ بهمن ۱۳۸۶

تا قبل از آشنایی با رایانه‌خبر برای ماهنامه "دانش و کامپیوتر" قلم می‌زدم و چند مطلب چاپ شده در ماهنامه وب و کامپیوتر جوان داشتم. یکی از همکاران که شنیده بود در حوزه آی‌تی قلم می‌زنم پیشنهاد ارسال مطلب برای رایانه‌خبر را مطرح کرد (تا قبل از این هیچ آشنایی با رایانه‌خبر نداشتم). بعد از تهیه یکی از شماره‌ها، عزمم را جزم کردم که عضو تیم رایانه‌خبر باشم.

زمینه و تعداد مقالات: ۱۷۰ عنوان مقاله؛ ۵۲۰ صفحه در زمینه‌های مختلف

تاریخ و نحوه آشنایی با ماهنامه: در تاریخ ۱۶ بهمن ۸۶ اولین ایمیل را با ضمیمه یک مقاله برای مهندس حق‌پرست ارسال کردم. یک ماه بعد از ارسال این ایمیل همچنان منتظر دریافت پاسخ نهایی برای شروع همکاری بودم. در حالی که از این همه تاخیر حساسی دلخور بودم با این تصور که عدم پاسخگویی پیامی است مبنی بر عدم تمایل به همکاری، ایمیلی را در قالب اتمام حجت و البته سرشار از گله و شکایت در مورد ضعف قسمت روابط عمومی ماهنامه و همچنین ایراداتی به نحوه چاپ و توزیع! ارسال کردم که البته جواب آن، پاسخ مثبت ماهنامه بود به پذیرفتن من!

علاقه شخصی (به غیر از کامپیوتر): مطالعه، تفکر سیستمی، مدیریت کسب و کار

مهمترین خاطره: توفیق زیارت همکاران تنها یک بار یعنی در مهمانی آخر سال ۸۹ نصیب بنده شد (با توجه به این که من آن زمان در شهرستان شوش دانیال زندگی می‌کردم). حضور در آن جمع پرانرژی یکی از خاطره‌های فراموش‌نشده‌ی من است.

راحتی محصولات جدیدشان را برای تست و نگارش مقاله در اختیار مطبوعات قرار دهند. به همین دلیل چند شماره‌ای زمان برد تا شرکت‌ها مجاب شوند قطعه در اختیار ما بگذارند. روال لابراتوارهای سخت‌افزار به این گونه است که یک سیستم کامل از قطعات روز، به مدت یک تا دو سال (بستگی به این دارد که کی پلتفرم و نسل جدید پردازنده تولید می‌شود) بدون تغییر در مشخصات سخت‌افزاری در اختیار مسئولین لابراتوار قرار می‌گیرد و تست قطعات در طول این مدت با همین سیستم انجام می‌شود. دلیل آن هم ساده است؛ برای این که بتوان نتایج تست یک قطعه (مثلا کارت گرافیک) را با قطعه دیگر مقایسه کرد.

در تست‌های گروهی کمی شرایط خاص‌تر است چون در این تست گروهی، مقایسه بین چند محصول کمپانی‌های مختلف انجام می‌شود و عموماً هم شرکت‌ها دوست ندارند که محصولشان نتایج ضعیف کسب کند. داشتن سیستم تست ثابت و امکان تست مجدد می‌توانست هرگونه ذهنیت طرفدارانه را برطرف کند و از طرفی شفافیت کار هم به ادامه کار کمک می‌کرد. شاید به جرات بتوان گفت که ماهنامه رایانه‌خبر از اولین نشریاتی بود که دو سیستم تست ثابت



محمد کریمی

سال و ماه تولد: متولد شهریورماه ۱۳۵۸

وضعیت تاهل: متاهل

رشته تحصیلی: مترجمی زبان انگلیسی

شغل فعلی: در جستجوی نان بربری!

تاریخ و نحوه آشنایی با ماهنامه: از بخت بد ماهنامه بنده از زمستان ۱۳۸۷ یعنی از نیمه‌های سابقه چاپ ماهنامه با این مجموعه آشنا شدم.

زمینه و تعداد مقالات: بیشتر علاقه دارم در خصوص فناوری‌های روز مطلب بنویسم، اما خب بارها و بارها در خصوص ابزارهای مفید و آموزش کار با نرم‌افزارهای خاص و خبر و ... نیز قلم زده‌ام و اگه خدا قبول کنه تا کنون بیش از ۱۰۰ مقاله در رایانه‌خبر چاپ داشته‌ام.

علاقه شخصی (به غیر از کامپیوتر): به خدا (نه، قسم نخوردم، علاقه‌ام را گفتم). سپس به نویسندگی، موتورسواری، ماهیگیری، مسافرت و مطالعه و ...

مهمترین خاطره و سوتی: دلم براتون بگه خاطره اون قدر هست که باید با برخی از دست‌اندرکاران فعلی بنشینیم اون قدر بخندیم که آخرش به گریه‌های غم‌انگیز برسیم. انشاالله کار فرهنگی قوتی دوباره بگیره تو این ولایت و ما قلم به دستان هم بتونیم مثل برخی از ما بهتران بنشینیم و برای جماعتی حرف‌های جالب بزنیم. فعلاً که داریم تو این وانفسا با مشکلات غیرفرهنگی اعم از گرونی کاغذ و دیگر امور معیشتی و کم شدن علاقه ملت به مطالعه دست و پنجه نرم می‌کنیم تا مشکلات تخصصی ماهنامه.

از خاطرات مهم ماهنامه می‌تونم به مهمونی‌های پایان سال اشاره کنم که کلی حرف واسه گفتن داشتیم و آی حال می‌کردم مدیر مسئول نمی‌تونست امر و نهی کنه و بچه‌ها پتانسیل نهفته خودشون رو آزاد می‌کردن. آخه موقع کار که اگه انرژیمون رو نشون می‌دادیم همش ازمون کار می‌کشیدن!

کلا دم همه بچه‌های بحال که می‌شه گفت دهه پنجاهی هستن گرم.

از سوتی بخوام بگم حرف‌هایی برای گفتن هست اما به سوتی کلی عمومی بگم و اون هم اینکه که سوتی‌مون این بود که قلم به دست شدیم! البته می‌گن نون تو کار آزاد هست، از شانس ما قلم آزاد هیچ نونی توش گیر نیما که هیچ تازه لقمه قبلی هم گلو ت گیر می‌کنه.



حمیدرضا کشاورز محمدیان

سال و ماه تولد: خرداد ۱۳۶۲

وضعیت تاهل: متاهل

رشته تحصیلی: دانشجوی رشته دکترای نرم‌افزار

شغل فعلی: مشاور نرم‌افزار شرکت استیل البرز

تاریخ و نحوه آشنایی با ماهنامه: ماهنامه رایانه‌خبر را از سال‌های نخست انتشار می‌شناختم. در سال ۱۳۸۶ بود که دوست عزیزم، توفیق رمضان‌نیا که در آن هنگام قائم‌مقام سردبیر ماهنامه بود من را برای همکاری به ماهنامه معرفی کرد. از آن هنگام بود که نوشتن مقاله را برای ماهنامه آغاز کردم. از سال ۱۳۸۷ هم کار ویرایش مقالات را آغاز کردم و هر دو کار را تا شماره ۱۰۰ ادامه داده‌ام و حداقل تا شماره ۲۰۰ هم در خدمت ماهنامه خواهم بود!

زمینه و تعداد مقالات: فناوری، نرم‌افزار، معرفی برنامه، سیستم‌های عامل، خبر، عکاسی. در حدود ۳۵۰ مقاله از من چاپ شده

علاقه شخصی به غیر از کامپیوتر: فوتبال، موسیقی، روانشناسی

مهمترین خاطره و سوتی: دلیل اصلی این که ماهنامه توانسته با تمام مشکلات موجود تا شماره ۱۰۰ ادامه بدهد جو فوق‌العاده آن است. در این میان می‌توان به چند خاطره اشاره کرد: یکی مهمانی‌های آخر سال که با حضور همه همکاران از سراسر کشور برگزار می‌شد و هر کدام ماجراهای خاص خود را داشت. یکی هم مشاهده خبر قبولی در یک کنکور بود. یکی دیگر از خاطرات هم ویرایش یکی از مقالات و کاهش حجم آن از ۱۶ صفحه به ۴ صفحه (که خودم هم هنوز نمی‌دانم چطور این کار را انجام دادم!) به خاطرات مجله که فکر می‌کنم گذر ایام به یاد می‌افتد و این که سال‌هاست که کنار هم هستیم و زمان چه ارزشی به همه چیز می‌بخشد. و البته به یاد بحث‌های همیشگی درباره سینما، فوتبال، موسیقی و کامپیوتر در دفتر ماهنامه می‌افتیم.

ایمن سوتی را هرگز از یاد نمی‌برم: دفتر ماهنامه در آن هنگام در خیابان میرزای شیرازی بود. حدود هفت، هشت ساعت مداوم را به ویرایش مقالات گذرانده بودم. تقریباً شب شده بود و دیگر حتی توان فکر کردن هم نداشتم. من مانده بودم و آقای حق‌پرست که یک نفر در زد و داخل آمد. پرسید: «این‌جا دفتر رایانه‌خبره؟» گفتم «بله، بفرمایید». گفت: «من این شماره رو خریدم ولی دی‌وی‌دی‌اش مشکل داره، برای گرفتن یه دونه دیگه مزاحمتون شدم.» آقای حق‌پرست از داخل اتاقش گفت: «کیه آقای کشاورز؟» من هم بدون این که فکر کنم بلند گفتم: «یکی از خواننده‌ها هستن، برای گرفتن دی‌وی‌دی مزاحم شدن!»

در این مدت شرکت‌هایی مثل ماتریس، گرین، آواژنگ و عقیق رایانه در زمینه تامین قطعات مورد نیاز بسیار با ما همکاری کردند. البته در برخی مواقع مجبور می‌شدیم بعضی از قطعات را از بازار تهیه کنیم (به خصوص پردازنده). به هر حال کار پردردسری بود؛ هماهنگی با شرکت‌ها برای تهیه قطعه، مونتاژ سیستم‌ها، تست و بررسی و البته تهیه عکس.

تهیه این مقالات با افزایش شدید قیمت دلار و سه برابر شدن آن عملاً از برنامه کاری ماهنامه حذف شد.

از گلاسسه تا کاهی

دلار و دلار و باز هم دلار.

قیمت دلار که منفجر شد، روزگار فرهنگ و مطبوعات هم کاملاً به هم ریخت. قیمت کاغذ به شکل سرسام‌آوری بالا رفت و در آخر مجبور شدیم بعد از چند شماره و در خرداد سال ۹۱، کاغذ را از گلاسسه به کاهی تغییر دهیم! از آن به بعد هم تا الان همین‌طور مانده‌ایم.

Intel و AMD داشت (و البته هنوز هم دارد) و تمام تست‌ها را با همان سیستم‌ها انجام می‌داد. مشخصات اولین سیستم تست لایبراتور رایانه‌خبر در شماره ۴۲ ماهنامه (خرداد ۸۷) به طور رسمی معرفی شد.

معرفی سیستم فصل

به نظرم یکی از کارهای خیلی خوب که در ماهنامه انجام دادیم معرفی سیستم فصل بود. تقریباً هر دو شماره یکبار این کار را انجام می‌شد. هر بار ۳ سیستم کاربردی در یک زمینه خاص را معرفی می‌کردیم، مثلاً سیستم‌های خانگی، سیستم‌های مخصوص گیم، سیستم‌های مهندسی - محاسباتی، سیستم‌های خاص انیمیشن و گرافیک سه‌بعدی، سیستم‌های ویژه اتوکد و ...

سیستم‌ها کاملاً در دفتر ماهنامه مونتاژ و تست می‌شدند و نتایج پنج‌مارک‌ها در ماهنامه به همراه تصویری از سیستم‌های مونتاژ شده در مجله چاپ می‌شد (برای اینکه مخاطب باور کند که سیستم به طور عملی مونتاژ و تست شده).

چاپ این سلسله مقالات از آذر ۸۹ کلید خورد (شماره ۶۶) و تا اواخر سال ۹۰ ادامه داشت.



جعفر رنجبر سعدی

سال و ماه تولد: آبان ۱۳۶۳

وضعیت تاهل: مجرد

رشته تحصیلی: مالی مدیا

شغل فعلی: عکاس، طراح گرافیک و طراح وب

تاریخ و نحوه آشنایی با ماهنامه: آشنایی اولیه با مجله از شماره یک رایانه‌خبر از طریق کیوسک مطبوعاتی بود و شروع به کار در ماهنامه در ۱۵ مهر ماه سال ۱۳۸۸ از طریق معرفی آقای رمضان‌نیا.

علاقه شخصی (به غیر از کامپیوتر): عکاسی، موسیقی، معماری، طراحی و کلا هر چیزی که به هنر مربوط باشه و البته سفر

مهمترین خاطره و سوتی: جریان مربوط میشه به بی‌دقت بودن من. ماجرا زمانی اتفاق افتاد که از قطعاتی که برای بررسی می‌اومدن عکس می‌گرفتم تا تویه مقاله‌ها استفاده کنیم. خلاصه به پرینتر لیزری سامسونگ اومده بود که مشغول عکاسی ازش شدم. بعد از عکاسی وقتی خواستم جمعش کنم و بزارمش تو کارتنش یه دفعه از دستم افتاد و درش شکست. خلاصه اینکه مجبور شدیم قطعه رو به شرکت عرضه‌کننده پس ندیم و هزینه قطعه رو پرداخت کردم و برای خودم برش داشتم. البته خیلی اتفاق بدی نبود چون پرینتر نیاز داشتم و خیلی وقت بود تو فکر خرید پرینتر بودم.

یک مورد دیگه هم هست: یه بار که با آقای کشاورز تو دفتر مشغول به کار بودیم حرف از جن شد و به شوخی گفتیم من هر موقع تو دفتر تنها میشم احساس می‌کنم یه سر و صداهایی میاد. خلاصه بنای رفتن رو که گذاشتم آقای کشاورز گفتن اگه میشه چند دقیقه صبر کنم تا با هم از دفتر بیرون بریم. به نظر می‌اومد این حرفم به نوعی باعث ترسشون شده بود. خلاصه چند شب بعد از اون که تنها تا دیر وقت دفتر بودم و اتفاقاً شب بارونی هم بود و رعد و برق هم می‌زد یه دفعه احساس کردم یه صداهایی میاد. صداها دقیقاً صدای کشیده شدن صندلی‌ها رو زمین بود. سریع از اتاقم اومدم بیرون به صندلی‌ها نگاه کردم. به نظر نمی‌اومد صندلی‌ای جابجا شده باشه. برگشتم تو اتاق که مجدداً این صداهای تکرار شد و این بار دیگه واقعاً ترسیدم. اومدم به صندلی‌ها نگاه کردم و سعی کردم موقعیتشون رو تو ذهنم نگه دارم. وقتی دوباره صداهای تکرار شدن و بدو بدو از اتاق بیرون اومدم دوباره جای صندلی‌ها رو با اونچه تو ذهنم بود مطابقت دادم و مطمئن شدم که جابجا نشدن! خلاصه دیگه جدی جدی ترسیده بودم که تو این حین دوباره صدا اومد. کمی که دقت کردم دیدم صدا از طبقه بالا میاد و متوجه شدم که همسایه طبقه بالایی داره صندلی‌هاشونو جابجا می‌کنه!



سید مهدی موسوی

سال و ماه تولد: شهریور ۱۳۶۸

وضعیت تاهل: مجرد

رشته تحصیلی: مهندسی الکترونیک

شغل فعلی: در حال حاضر سرباز وطن هستم!

تاریخ و نحوه آشنایی با ماهنامه: اوایل سال ۱۳۸۷ از طریق پیام حداد دوست داشتمی ...

زمینه و تعداد مقالات: مقالات و نقد و بررسی قطعات سخت افزاری.

در حدود ۱۵۰ مقاله نیز از من در ماهنامه چاپ شده.

علاقه شخصی (به غیر از کامپیوتر): موسیقی و شنا

مهمترین خاطره و سوتی: مهم‌ترین خاطره این که چون من خیلی دیر به دیر دفتر ماهنامه می‌رم معمولاً با خودم ناهار نمی‌برم! در نتیجه به قول معروف چترمون رو باز می‌کنیم و در کمال پرویی از غذای همه بچه‌ها چند قاشق می‌خورم تا وقتی که حسابی سیر بشم!

در مورد سوتی باید بگم، همین چند ماه پیش که مشغول تست یه مادربرد بودم بعد از گذشت ۴ ساعت تست تازه متوجه شدم که رم‌ها رو روی اسلات‌ها با ترکیب Single Channel نصب کردم!

هیچی دیگه، مجبور شدم تا ساعت ۷ تو ماهنامه بمونم و همه تست‌ها رو دوباره بگیرم! البته کسی نفهمید! شما هم به کسی نگید!



یکی از سیستم‌های فصل که در سال ۹۰ معرفی شده بود

و حالا شماره ۱۰۰

در این ۳ سال اخیر که شرایط اقتصادی به شدت تغییر کرد، بارها به این فکر افتادیم که مانند خیلی از نشریات دیگر ماهنامه را تعطیل کنیم. کمی مدیریت هزینه‌ها و البته همکاری صمیمانه همکاران بخش‌های مختلف ماهنامه موجب شده ماهنامه هنوز چاپ شود. البته نباید از حمایت بعضی شرکت‌ها که سال‌هاست با ما همراه هستند (مثل آواژنگ، گرین، سامسونگ و ماتریس) به راحتی گذشت.

البته واضح است که سرمایه اصلی یک رسانه همیشه مخاطبین هستند، مخاطبینی اگر نباشند نه آگهی خواهد بود و نه ماهنامه‌ای. مخاطبینی که در این ۱۰۰ شماره همواره همراه ما بودند چه با کاغذ گلاسه و چه کاهی!

یا حق ■



مهیار میرزاپور

سال و ماه تولد: بهمن ۱۳۶۶

وضعیت تاهل: مجرد

رشته تحصیلی: مترجمی زبان انگلیسی

(کارشناسی ارشد)

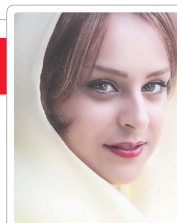
شغل فعلی: فعال سرباز

تاریخ و نحوه آشنایی با ماهنامه: اواخر پاییز سال ۱۳۸۷ توسط دوست عزیزم، پیام طراوتی، به مهندس حق پرست معرفی شدم و شانس حضور در این ماهنامه را پیدا کردم. من پیش از رایانه خبر، نه سابقه کار در حوزه آی تی داشتم و نه علاقه‌ای برای پیگیری اخبار.

زمینه و تعداد مقالات: بیشتر ترجمه‌ها و نوشته‌های من برای رایانه خبر نقطه برخورد آی تی است با اقتصاد و البته بحث‌های مدیریتی و کلان که چرا فلانی موفق شد و چطور شد بهمانی به بن بست رسید. البته در حوزه امنیت سایبری هم در خدمت مجله بوده‌ام.

علائق شخصی (به غیر از کامپیوتر): فوتبال! من در حوزه اخبار اقتصادی و سیاسی هم فعالیت کرده‌ام اما در چند سال اخیر درگیر پروژه سایت طرفداری بوم و سعی کردم چه در نقش سردبیر و چه در نقش مترجم، کمکی کرده باشم به فضای بسته و راکد حوزه اخبار فوتبال.

مهمترین خاطره و سوتی: وقتی یک دانشجوی شهرستانی هستی برای کسب تجربه و رشد و پیشرفت همه درها را امتحان می‌کنی. من هم درب تحریریه روزنامه‌ها، مجلات و سایت‌های خبری زیادی را زدم و چند صباحی هم‌نشین (نه همکار) اساتید متعددی بوم ولی تفاوت رایانه خبر با بقیه این بود که در عین انجام رسالت خبری و دیسپلین اداری، با خانواده‌ای طرف بودم که مرا به عنوان فرزند قبول کرده بود نه یک کارمند ساده. شاید به خاطر همین باشد (در کنار تنبلی و اخلاق تند خودم) که عمر همکاری من با هیچ رسانه‌ای به اندازه رایانه خبر طولانی نشد. ما مترجم‌ها معمولاً از نشریات مختلف دلگیر هستیم آن هم به خاطر طلب‌هایی که هرگز وصول نشده‌اند. ولی در مورد رایانه خبر منم و طوماری از بدهکاری‌ها و بدقولی‌هایی برای نرساندن ترجمه و مقالات که امیدوارم روزی بتوانم جبران کنم و کمتر شرمند این مجموعه و همکاران عزیزم باشم.



پرنیان پورعطایی

سال و ماه تولد: آبان ۱۳۶۳

وضعیت تاهل: مجرد

رشته تحصیلی: دیپلم نگارگری (نقاشی سنتی ایرانی)

شغل فعلی: دستیار گرافیکست ماهنامه رایانه خبر

تاریخ و نحوه آشنایی با ماهنامه: بنده از طریق گرافیکست ماهنامه در تیرماه ۸۹ با ماهنامه آشنا شدم و از تاریخ ۱۸ آبان همان سال شروع به همکاری نمودم.

علائق شخصی (به غیر از کامپیوتر): موسیقی اصیل ایرانی، نقاشی سنتی ایرانی، ادبیات فارسی مخصوصاً اشعار حافظ و سعدی و همچنین مباحث روانشناسی.

مهمترین خاطره و سوتی: واقعا نمی‌دونم از کدومش بگم! از میزگردها و جلسه‌های ظهر که سراسر انرژی و خنده بود یا از روزهای نفس گیر تحویل مجله به چاپ خونه که بنده مثل کش درحال رفت و برگشت به اتاق آقای حق پرست و میزم بودم بگم یا از ذوق و مدیر مسئول برای کاشت ریحان‌های خوش عطر و بو در تراس کوچک ماهنامه! یا از تماس‌های برخی مشترکین عزیز بگم که بعضی مواقع با سوالات جذابشون گاهی به صورت کامل تمام اجزای صورتم منقبض و شبیه به یه انار آتشین میشه و گاه از فرط خنده و مهربونیشون به تنگی نفس می‌افتادم.

در کل با وجود همکاران که اسم و خاطراتشون در این ویژه‌نامه مطالعه می‌کنید و مدیر مسئولی همچون آقای حق پرست امکان نداره در طی این سال‌ها خاطره‌ای درست نشه که صد البته بیشتر خاطرات برای افراد مجله و یادآوریش برای ما جذابه.

این چیزی که می‌گم واقعا یک حقیقت محضه! من در طی این چند سال همکاری سوتی ندادم ولی چون آدم در کل پرجنب و جوشی هستم و منتظر یک جرقه برای شیطنت، از خیلی‌ها سوتی جمع کردم. حال بنا بر دلایلی (دلیل اصلی‌اش برای تحریک حس کنجکاوی دوستان، همکاران و اذیت کردنشون) از بازگو کردن اون‌ها معذورم. ولی خوب چون دل کسی نگیره بنده یه سوتی بسیار ریز سوزنی دادم، اونم که وسط یک روز کاری در اوج شلوغی کارم که می‌خواستم زمانی پیدا کنم بتونم در مورد کار با آقای حق پرست صحبت کنم با تمام قدرت بجای صدا کردن اسم ایشان به اشتباه صدا کردم _____ام_____ان! ایشون هم با لطف تمام از روی عادت به بنده پاسخ دادن _____له! البته خوشبختانه کسی جز بنده و همکار محترم آقای رنجبر از این سوتی با خبر نشده بود تا به امروز که الان همه